

بازیهای محلی گازوون

(۶)

کپروک

کپریا چیر «بافتح حروف اول و دوم» بمعنی خانه یا آشیانه است که از چوب محکم و شاخه و برگ درختان میسازند و در صحرا بیشتر در کشتزارها و مزارع معمول است. در این بازی پس از انتخاب دو نفر بنام استاد، بازیکنان بطریق «ورآمدن» بدو دسته تقسیم میشوند و هر دسته بسرپرستی یک استاد بیازی مشغول میشوند: بدینصورتیکه ابتدا دو استاد نهانی بر خود دو نام «دلیل و دروش» میگذارند (دلیل و دروش دوسوزن گیوه دوزی میباشد) و از اولین رهگذر میپرسند که «دلیل بخوابد یا دروش؟» رهگذر هر کدام را گفت باید گروه آن استاد بخوابد. مقصود اینست که افراد آن گروه دست بگردن هم انداخته، سر بر سر هم گذاشته بشکل «کپر» میایستند. استاد سرطناپ بلندی را بدست قویترین آنها داده یکسر آن را خود بدست گرفته آماده محافظت از آنها میشود. گروه مخالف هم سعی میکنند با جنگ و گریز طوری بردوش آنها سوار شوند که از استاد لگد نخورند زیرا اگر لگد استاد گروه خوابیده یکی از گروه مخالف بخورد، آن گروه بازنده محسوب شده باید بخوابند و آماده سواری دادن بشوند.

روپهنک

«روپ» در اصطلاح محلی بمعنی رانها و پاما میباشد. در این بازی چهارتن شرکت دارند. ابتدا بدو دسته دوتقری تقسیم شده سپس تریا خشک می کنند بدین معنی که سفال یا سنگ صاف و کوچکی را در دست گرفته یک طرف آنرا خیس مینمایند سپس آنرا به هوا انداخته میپرسند: تر یا خشک؟

مثل شیرو خط . گروہ بازنده بر زمین می نشیند و پاهارا گشوده کف پاهارا بهم میگذارند . دونفر ایستاده باید یکی یکی از روی پای آندونفر بپیرند . سپس پاهارا برهم میگذارند بطوریکه انگشتان پا رو بهوا باشد . آندونفر ایستاده باید یکپائی از روی آن بپیرند سپس باندازه دوپا باید یک پائی بپیرند و بهین طریق باندازه های دوپا و یک و جب - دو یا و دو و جب - دوپا و یک آرنج - دوپا و دو آرنج - دوپا و دو آرنج و یک کلاه .. هر گاه این اندازه ها را یکپائی بریدند بردوش بازنده ها سوار شده بخانه یکی از همسایه ها رفته میپرسند : سوار سواره یایاده سواره؟ و هر چه که آن همسایه گفت طبق آن عمل میکنند و بآن طریق به محل اولیه خود بر میگردند و بازی را از نو آغاز مینمایند .

کلاغ فر

فر یا پر (با کسر اول) در اصطلاح محلی بمعنی پرواز است . در این بازی ابتدا یکی را بعنوان استاد معین می کنند ، سپس سایر بازیکنان حلقه وار بگردن او می نشینند و انگشتان خود را بر زمین میگذارند . استاد با نام بردن پرنده گان و حیوانات انگشت خود را بالا میبرد ، باید دقت کرد که اگر استاد نام یک پرنده را بر زبان آورد ، بازیکنان نیز انگشتان خود را بهوا بلند کنند و اگر نام یک حیوان برد ، همانطور انگشت خود را بر زمین گذارند و تکان ندهند و اگر خلاف این کنند بازنده محسوب میشوند . بازیکنان طبق فرمان استاد جریمه میشوند و جریمه آنها اغلب رقص و آواز میباشد . این بازی در تهران هم بنام « کلاغ پر » معمولست .

بندپا

یکسرطناب بلندی را پای بازیکن می بندند و سر دیگر آنرا بدست استاد بازیگران میدهند . بر وسط این طناب بند دیگری بسته شده و بر زمین انداخته شده است . بازیگران باید سعی کنند بی آنکه هدف لگد - بند پا واقع شوند ، سررها شده طناب را بدست بگیرند و بندپا را بر زمین کشند . بندپا بهر کس که موفق شد که لگد بزند ، همان کس بندپای جدید میشود و خود رها میگردد .

ماه من

ای ماه چه زیبا شده بودی
آرام دل ما شده بودی

آن شب بلب پشه شایور
پیش من و از مدعیان دور

تو غرق تنها شده بودی
 آئینه دریا شده بودی
 برشانه صحرا شده بودی
 یکپارچه رؤیا شده بودی
 چون شمع شرر زاشده بودی
 چون می طرب افزاشده بودی
 محبوب زلیخا شده بودی
 تو صید من آجاشده بودی
 (حسن حاتمی)

من محو تماشای تو بودم
 مه بودی و بر دامن صحرا
 چون گسوی مه روشن و نمناک
 در دیده پر جوش خیالم
 میسوخنت در عرضش کام
 میریخت لب لب بوسه بجانم
 در خلوتم ای یوسف کنگان
 من رام تو آن شب شده بودم

کتاب و مطبوعات

در طی چهار صد سال یعنی از روز انتشار نخستین کتاب چاپی در روسیه تا انقلاب اکتبر در آن کشور فقط ۵۵۰ هزار کتاب مختلف طبع و نشر گردید و حال آنکه در طی چهار سال اخیر در اتحاد شوروی یک میلیون و ۳۸۶ هزار کتاب بچاپ رسید.

در سال ۱۹۱۳ تیراژ کلیه کتابهای که در روسیه منتشر شده بود به ۹۹ میلیون نسخه بالغ گردید و حال آنکه فقط در سال ۱۹۵۸ در اتحاد شوروی کتابهای مختلفی با تیراژ متجاوز از یک میلیارد نسخه طبع و منتشر گردید.

در سال ۱۹۱۳ در روسیه ۱۴۷۲ نثریه چاپ میشد در حالیکه در سال گذشته در اتحاد شوروی ۳۰۰۷ نثریه منتشر گردید.

در اتحاد شوروی ۷۹۹ مجله با تیراژ سالانه ۶۶۶ میلیون نسخه طبع و منتشر میشود.

تیراژ روزنامه‌ها در اتحاد شوروی به ۶۰ میلیون نسخه بالغ میگردد.